

## بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ : ۹۶/۱۰/۱۵

موضوع: بررسی شبهات مهدویت (۳) - اهانت های «احمد الحسن» به انبیاء و اولیاء

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله الحمد لله الذي هدانا لهذا و ما كنا لنهتدى لولا أن هدانا الله خدا را بر تمام نعمت‌هایش به ویژه نعمت ولایت سپاس می‌گوییم. خدا را به حق حضرت محمد و آل محمد سوگند می‌دهیم حیات و ممات ما را حیات و ممات حضرت محمد و آل محمد قرار بدهد، فرج مولایمان حضرت بقیة الله الأعظم را نزدیک نموده و همه ما را از یاران خاص آن بزرگوار و از سربازان فداکار و شهدای رکابش قرار بدهد با ذکر صلوات بر محمد و آل محمد.

ما در جلسات گذشته که خدمت شما بزرگواران و گرامیان بودیم اشاره کردیم که شبهات علیه مکتب اهل بیت (سلام الله علیهم اجمعین) از همان عصر نبوت آغاز شد و با رحلت نبی مکرم به اوج رسید.

در زمان ائمه طاهرین (علیهم السلام) آن بزرگواران در حوزه پاسخگویی به شبهات کاملاً ورود می‌کردند، و افرادی را برای پاسخگویی به شبهات و مناظره با مخالفین، معاندین و نواصب تربیت می‌کردند. همچنین در عصر غیبت این وظیفه بر عهده علما و طلاب و فضیای حوزه‌های علمیه محول شده است.

یکی از شبهاتی که وهابیت مطرح کردند و گستردگی بسیار عجیبی داشت شبهات در حوزه «مهدویت» است.

عرض کردیم که در یکی از مراکز پژوهشی حوزه علمیه قم به نام «مركز الأبحاث العقائدية» حدود پنج هزار عنوان کتاب ضد شیعه به زبان عربی، فارسی، اردو جمع شد و تمام شبهاتی که در این کتب علیه شیعه بود استخراج شد که مجموع آن به مرز هشت هزار شبهه رسید.

خدا بیامرزد مرحوم «فارس حسون» مسئول این مؤسسه تلاش زیادی برای موضوع بندی این شبهات کردند تا اینکه شبهات در ششصد عنوان دسته بندی شد و در هشت جلد چاپ محدود شد. در نهایت حدود چهل مورد از این کتب خدمت مقام معظم رهبری و چندین مورد خدمت مراجع عظام تقلید تحویل داده شد.

اکنون که حدود ۱۵ سال از رحلت این بزرگوار می‌گذرد و از خداوند می‌خواهیم روح ایشان را شاد کند، ما شاید پنج هزار شبهه جدید که در فضای مجازی و رسانه‌ها مطرح شده را جمع کردیم.

شبهاتی که در حوزه مهدویت استخراج شد از مرز ۵۰۰ شبهه تجاوز کرد و دقیقاً ۵۴۸ شبهه از ناحیه وهابیت، علمای اهل سنت و مخالفین جمع آوری شد. البته این شبهات جدا از شبهاتی است که امثال اخباریون یا بهائیت و دیگران داشتند. این شبهات تنها شبهاتی است که از ناحیه اهل سنت و وهابیت در حوزه مهدویت مطرح شده است.

هر روز که از عمر مذهب شیعه می‌گذرد این شبهات در رنگ و قالب تازه‌ای در رسانه‌ها و فضای مجازی مطرح می‌شود. بنده در اینجا باید عرض کنم متأسفانه در حوزه‌های علمیه ما آنگونه که زینده هست در رابطه با پاسخگویی به شبهات بها داده نمی‌شود.

البته نه اینکه بگویم در این حوزه تلاش نمی‌شود، اما به اندازه مطلوب که طلاب و فضلاء ما در این حوزه ورزیده باشند، با این شبهات آشنا باشند، روش پاسخگویی به شبهات را بدانند، به روش مناظره و فن مناظره آگاه باشند، بنده مرکز پژوهشی و تخصصی در حوزه سراغ ندارم. تنها بعضی از مراکز به صورت ضمنی و حاشیه‌ای به این موضوع می‌پردازند.

یکی از پدیده‌های شوم و نحسی که در طول ۱۰، ۱۲ سال اخیر وارد حوزه مهدویت شد ماجرای «أحمد الحسن» است؛ او فردی عراقی از اهالی نزدیک بصره است که مدعی شد با چهار نسل به حضرت مهدی (ارواحنا له الفداء) می‌رسم. او ادعا می‌کند که

پدرم حضرت مهدی به من دستور داده تا زمینه را برای آمدن ایشان فراهم کنم. طرفداران این شخص در بصره درگیری ایجاد کردند، ارتش عراق وارد شد و بیش از ۲۵۰ کشته بر جای گذاشتند. او به سمت بحرین فرار کرد و بعد از آن از ایشان خبری نیست.

متأسفانه مشاهده می‌کنیم بعضی از افراد یا بهتر بگوییم با تأسف بیشتر بعضی از طلاب حوزه‌های علمیه ما مفتون شبهات این فرد شده‌اند.

در جلسه گذشته بنده نمونه‌هایی از انحرافات عقاید این افراد را عرض کردم؛ اولاً نسب این شخص اصلاً مشخص نیست. او گاهی می‌گوید: "من با چهار واسطه به حضرت مهدی می‌رسم" و گاهی می‌گوید: "از جد چهارم مقطوع النسب هستم."

او به بعضی از روایات استناد می‌کند که این روایات بیشتر به ضررش است تا به نفعش! همچنین نسبت به انبیاء جسارت‌های وقیح دارد و ادعا می‌کند که حضرت یونس جهنمی است، وارد جهنم شده است و تا ابد در آنجا می‌ماند!!

بنده نمونه‌هایی از این موارد را در جلسه گذشته در همین مسجد برای عزیزان از کتاب‌های «أحمد الحسن» نشان دادم.

ما بارها از این افراد درخواست کردیم برای مناظره بیایند. از خود ایشان خبری نیست، اما طرفدارانشان مغز چندین طلبه ناآگاه را مورد خدشه قرار می‌دهند، وسوسه می‌کنند و از طریق اجنه و سحر به خواب این افراد می‌آیند و بعضی از افراد را گرفتار این فتنه می‌کنند.

ما بارها اعلام کردیم که آماده هستیم با این افراد بنشینیم دوستانه مناظره کنیم. البته کسانی که واقعاً اهلیت مناظره دارند و بعد از مناظره حاضریم با این افراد مباحله کنیم. امام کاظم (علیه السلام) به «محمد بن حکیم» فرمود:

«وَبَاهِلُوهُمْ فِي عَلِيٍّ (عَلِيهِ السَّلَام)»

در رابطه با حقانیت امیرالمؤمنین با این افراد مباحله کنید.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۱۰، ص ۴۵۲، باب

## ۲۶ نوادر الاحتجاجات و المناظرات من علمائنا رضوان الله عليهم

ائمه طاهرين (عليهم السلام) دستور مباحله را به ما داده‌اند. در جلسه گذشته یکی از عزیزان بلند شد و می‌خواست سؤالاتی را مطرح کند. ایشان دو سؤال پرسیدند؛ ما به سؤال اول پاسخ دادیم. ایشان سؤال دوم را نوشته بودند، اما متأسفانه چیزی از این سؤال نفهمیدیم. اولین سؤال ایشان این بود که چرا به ما اجازه نمی‌دهند در رسانه‌ها از حق خود دفاع کنیم و «أحمد الحسن» را به مردم معرفی کنیم؟!

این آقای طرفدار احمد الحسن ادعا می‌کرد که چرا به ما اجازه صحبت کردن نمی‌دهند و ما را دستگیر می‌کنند!! عزیزان دقت کنید که این کانال تلگرامی «انصار ایرانی» هست که ۱۶۹ عضو دارد و آقای «احمد کهندل» از لیبرهای آن‌هاست. از او سؤال کردند که آیا وقتی شما را در شب عاشورا در پردیسان دستگیر کردند به نظام توهین کردید یا نه؟! او در جواب گفت: راستش را بخواهید بله!!

ما نمی‌خواستیم این مسائل را بیان کنیم، زیرا فراتر از این مدارک از این افراد در اختیار داریم.

این افراد نظام جمهوری اسلامی و رهبری را با «شمر» و «یزید» مقایسه می‌کنند، اما ما خیلی به دنبال مطرح کردن این مسائل نیستیم. سؤالی که ایشان پرسیدند و در کاغذ هم نوشته بودند، این بود: شخصی از امام صادق پرسید قائم را به ما معرفی کنید. حضرت در جواب فرمودند:

**«لا والله هو الذی یأتی و یهتج!!» (کلمه «یهتج» را با «هاء» «یهتج» نوشته بود!**

ایشان ابتدا ادعا کرد که من طلبه حوزه علمیه قم هستم، اما نمی‌دانست که «یهتج» را چطور می‌نویسند! سپس می‌پرسید: قائمی که او را معرفی نکردند چیست؟!

ما هرچه «یأتی و یحتج» را جستجو کردیم مشاهده کردیم این عبارت در هیچ کامپیوتری وجود ندارد! یکی از عزیزان این عبارت را در اینترنت جستجو کرد، اما بازهم آن را پیدا نکرد.

روایتی که این شخص آورده متعلق به «غیبت نعمانی» است با ترجمه «مجتبی عزیزی» و ایشان ادعا می‌کند که من از آن کتاب نوشتم. «یأتی و یحتج» نیست، بلکه:

**«هُوَ الَّذِي يَخْتَجُّ عَلَيْكُمْ»**

عزیزان دقت کنند که این افراد چطور همانند وهابیت صدر روایت را رها می‌کنند و یک تکه از روایت را مبنای حرفشان قرار می‌دهند. ما کاری به سند روایت نداریم، اما راوی می‌گوید خدمت امام باقر (علیه السلام) بودم و گفتم:

**«إِنَّا نَصِفُ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ بِالصِّفَةِ الَّتِي لَيْسَ بِهَا أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ»**

ما حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداء) را به صفاتی توصیف می‌کنیم که در هیچکدام از مردم نیست.

عزیزان به صدر روایت خوب دقت کنید و مشاهده کنید که حضرت بقية الله الأعظم دنیا را پر از عدل و داد می‌کند. توصیفاتى نسبت به حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداء) آمده که حتی ما نسبت به رسول گرامی اسلام و امیرالمؤمنین آن اوصاف را نداریم.

خداوند عالم از روز ازل لباس ایجاد حکومت جهانی و گسترش عدل را بر قامت نورانی حضرت ولی عصر دوخته است. پیامبران گذشته از حضرت آدم تا نبی گرامی اسلام به پیروانشان بشارت آن بزرگوار را داده‌اند. راوی می‌گوید: اوصافی برای حضرت مهدی ذکر می‌کنیم که در میان مردم کسی دارای آن صفات نیست.

**«فَقَالَ لَا وَاللَّهِ لَا يَكُونُ ذَلِكَ أَبَدًا»**

حضرت فرمودند: اصلاً نمی‌توان کسی را با آن صفات پیدا کرد.

نبی گرامی اسلام و حضرت امیرالمؤمنین جد بزرگوارشان هم دارای چنین صفاتی نیستند.

«حَتَّىٰ يَكُونَ هُوَ الَّذِي يَحْتَجُّ عَلَيْكُمْ بِذَلِكِ»

زمانی که حضرت مهدی می‌آید خودشان به اوصاف خود با دلیل و برهان احتجاج می‌کنند.

«وَيَدْعُوكُمْ إِلَيْهِ»

و شما را به امری که صاحب اوست می‌خواند.

الغيبة للنعمانی، نویسنده: ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ص ۳۲۱، ح ۳

حال این روایت چه ارتباطی به «احمد الحسن» دارد؟! این شخص ادعا می‌کرد ضمیر «إِلَيْهِ» در «هُوَ الَّذِي يَحْتَجُّ عَلَيْكُمْ بِذَلِكِ

وَيَدْعُوكُمْ إِلَيْهِ» به «أحمد الحسن» برمی‌گردد!!

شما خودتان قضاوت بفرمایید که اصلاً از این روایت چیزی در رابطه با «أحمد الحسن» استفاده می‌کنید؟! این هم ترجمه روایت:

«مالک جهنی» به محضر مبارک امام صادق عرض کرد: ما صاحب این امر را با ویژگی‌هایی می‌خوانیم که هیچ کس از مردم را آنگونه وصف نمی‌کنیم.

حضرت فرمود: به خدا سوگند هرگز آنچه را که گمان می‌کنید واقع نخواهد شد تا اینکه خود او به وسیله آن توصیفی که می‌کنید بر علیه خودتان احتجاج کرده و شما را به سمت آن امر و حکومت الهی دعوت فرماید.

این افراد آسمان و ریسمان را به هم می‌بافند و می‌خواهند فتنه‌ای را در جامعه ایجاد کنند تا به وسیله آن امنیت جامعه، حوزه‌های علمی و اعتقادات جوانان را به هم بزنند.

بنده هفته اول مطالبی نشان دادم که بازهم آن را بازگو خواهم کرد. در کتاب «المتشابهات» جلد چهارم به قلم جانشین و

فرستاده امام مهدی! «سید أحمد الحسن»! مطالبی بیان شده است. ما با نسب او کاری نداریم، اما دقت کنید که نسبت به

حضرت یونس می‌نویسد:

"یونس در شکم ماهی مُرد و روحش به ظلمات جهنم نگریست و نیز به طبقات پایین آن نگاه کرد. پس از آنکه ماهی یونس را خورد روح یونس جدا شد و خداوند روح او را به سوی جهنم فرستاد تا آن را ببیند. آری یونس جهنم و ظلمات آن را درک کرد و در آنجا قارون را دید و با او سخن گفت و این جهنمی که او دید جهنمی در حال بزرگ شدن است!!"

زمانی که بنده این مطالب را می‌خوانم واقعاً بدنم می‌لرزد که نسبت به پیغمبر بزرگواری همانند حضرت یونس که خداوند عالم او را از مرسلین و صالحین می‌شمارد چنین تعبیری به کار می‌برند!!

آیا یک گوینده «لا إله إلا الله» و معتقد به قرآن کریم چنین ادعایی می‌کند که حضرت یونس که از پیامبران مرسل است، مُرد و روحش به جهنم رفت؟! زمانی که خداوند عالم بخواهد حضرت یونس را با آن مقامات عالی به جهنم ببرد دیگر تکلیف ما روشن است. دوستان عزیز، ما این مطالب را در «شبکه جهانی ولایت» گفتیم و در فضای مجازی منتشر شد.

این شخص قصد افاضه داشت و نمی‌دانست «یحتج» را چطور می‌نویسند، اما مشاهده کنید شخصی که تصویر آن را ملاحظه می‌کنید از لیدرهای آنهاست.

او جدیداً خدمت حضرت آیت الله العظمی سیستانی و آیت الله العظمی مکارم شیرازی و دیگر مراجع نامه نوشته و از آنها برای مناظره دعوت کرده است. من دوست دارم عزیزان عین عبارت ایشان را گوش دهند.

من از ایشان درخواست کردم برای مناظره بیاید، اما نیامد. این شخص در منزل خود فایلی را پر کرده است و در فضای مجازی منتشر کرده است. وقتی که ما معتقدیم از مناظره ابایی نداریم این مردانگی را داریم که این مطالب را پخش کنیم. ادعاهای او را بشنوید:

"یکی دیگر از مواردی که ایشان (آقای قزوینی) به آن انحراف می‌گویند این است که می‌گویند: یونس در شکم ماهی مرد، درحالی که قرآن کریم می‌فرماید:

(وَ نَجِّينَاهُ مِنَ الْعَمِّ وَ كَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ)

و از آن اندوه نجاتش بخشیدیم، و همین گونه مؤمنان را نجات می‌دهیم.

سوره انبیاء (۲۱): آیه ۸۸

آقای قزوینی! (وَ نَجِّينَاهُ مِنَ الْغَمِّ) به معنای این است که او را از غم و غصه نجات دادیم، نه از مرگ!! انصافاً شما عربی هم نمی‌دانید؟! (وَ نَجِّينَاهُ مِنَ الْغَمِّ) به معنای این است که او را از غم و غصه نجات دادیم. عزیزان! این بحث خیلی مفصل است و پاسخ آن حدود ۹ صفحه است. بنده الآن نمی‌توانم این بحث را باز کنم، اما آقای قزوینی می‌گوید: چون قرآن کریم می‌فرماید (وَ نَجِّينَاهُ مِنَ الْغَمِّ) چرا «أحمد الحسن» گفته که یونس در شکم ماهی مرد؟! «سید أحمد الحسن» با قرآن اثبات می‌کند که جسم حضرت یونس مرد، زیرا نهنگ او را خورده بود. آقای قزوینی به دوستان خود می‌گوید که حضرت یونس در شکم نهنگ مشغول عبادت بوده است. اگر نهنگ شما را بخورد آیا در شکم او بدون نور آفتاب و غذا سالم می‌مانید؟! قرآن کریم در ادامه می‌فرماید:

(لَلَّيْلِ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ)

تا روز قیامت در شکم ماهی می‌ماند.

سوره صافات (۳۷): آیه ۱۴۴

حال این سؤال پیش می‌آید که مگر قبل از قیامت همه عالم متبدل نمی‌شود؟!

(يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَات)

در آن روز که این زمین به زمین دیگر و آسمان‌ها (به آسمانهای دیگر) تبدیل می‌شوند.

سوره ابراهیم (۱۴): آیه ۴۸



حالا فرض کنیم که نهنگ به قدری عمر داشته باشد که تا آخرین روز دنیا زنده بماند. در زمانی که نه دریا هست، نه زمین هست و نه نهنگ است چطور می‌گوید تا برانگیخته شدن قیامت در شکم می‌ماند؟! بنابراین این متشابه قرآنی بود.

این آیه هم همانند سایر آیات قرآن کریم است. شما نمی‌فهمیدید به همین خاطر قائم آل محمد وصی و فرستاده امام زمان (علیه السلام) آمد تا این موارد را حل کند. ایشان آمدند تا به مردم علم حقیقی یاد دهند.

آیا (وَ نَجِّينَاهُ مِنَ الْغَمِّ) به معنای این است که او را از مرگ نجات دادیم یا از غم نجات دادیم؟! آیا هرکسی که از غم نجات پیدا کند از مرگ نجات پیدا کرده است؟! آیا این‌ها مناظره دارد؟! آیا تساوی دارد؟! عام و خاص مطلق است؟! چه استدلالی بود؟!

اما اینکه حضرت یونس روحش به جهنم نگریست، با قارون صحبت کرد و از اخبار مطلع شد را مسخره می‌کنید؟! آیا حدیث امام صادق (علیه السلام) را هم مسخره می‌کنید که نبی الله یونس زمانی که امر ولایت ائمه اطهار بر او عرضه شد تحمل نداشت.

(وَ ذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ)

و ذا النون (یونس) را (به یاد آور)، در آن هنگام که خشمگین (از میان قوم خود) رفت، و چنین می‌پنداشت که ما بر او تنگ نخواهیم گرفت، (اما موقعی که در کام نهنگ فرو رفت) در آن ظلمت‌ها (ی متراکم) فریاد زد خداوندا! جز تو معبودی نیست، منزهی تو، من از ستمکاران بودم.

سوره انبیاء (۲۱): آیه ۸۷

بروید تفسیر اهل بیت (علیهم السلام) را بخوانید. آیا شما امام صادق (علیه السلام) را هم برای این کلمات مسخره می‌کنید؟!

ایشان می‌گوید: امام صادق فرمودند که حضرت یونس به جهنم رفت!! او حدود چهل بخش از صحبت‌های بنده را تکه تکه جواب داده است.

بنده تنها یک نمونه آن را امشب برای شما نمایش می‌دهم تا هم روش پاسخگویی به شبهه را بدانید و هم ببینید که این آقایان اصلاً از قرآن کریم بی‌خبر هستند. قرآن کریم در این رابطه می‌فرماید:

(وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ)

و ذو النون را یاد کن آن دم که خشمناک برفت و گمان کرد بر او قدرتی نداریم، پس از ظلمات ندا داد که پروردگارا! خدایی جز تو نیست.

می‌بینید که قرآن کریم می‌فرماید که حضرت یونس در شکم ماهی تسبیح خدا می‌گفت، اما این شخص مسخره می‌کند!! در حقیقت این افراد قرآن کریم را انکار می‌کنند.

(سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ)

تو پاک و منزّه هستی قطعا من از ستمگران بودم.

(فَأَسْتَجِبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمَمِ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ)

پس اجابتش کردیم و از غم نجاتش دادیم و مؤمنان را نیز چنین نجات می‌دهیم.

سوره انبیاء (۲۱): آیات ۸۷ و ۸۸

حال سوره صافات را مشاهده کنید و ببینید که تعبیر قرآن کریم در رابطه با حضرت یونس چیست.

(وَإِنَّ يُونُسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ إِذْ أَبَقَ إِلَى الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ)

و همانا یونس هم از پیامبران بود به یادش آور زمانی که به طرف یک کشتی پر بگریخت.

## (فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ فَالْتَقَمَهُ الْحُوتُ وَ هُوَ مُلِيمٌ)

پس قرعه انداختند و او از مغلوبین شد پس ماهی او را بلعید در حالی که ملامت زده بود.

سوره صافات (۳۷): آیات ۱۳۹ تا ۱۴۲

بنده داستان حضرت یونس را از قول امام صادق و امام باقر عرض می‌کنم. زمانی که حضرت یونس بر قوم خود نفرین کرد نفرین ایشان نگرفت و قوم او از طریق عالمی که بینشان بود دعا و تضرع کردند تا خداوند عالم عذاب را از آنها برداشت.

حضرت یونس مشاهده کرد که قوم او عذاب نشدند. به همین خاطر از قوم خود کناره گیری کرد تا کنار دریا رفت. زمانی که کشتی را مشاهده کرد وارد کشتی شد و هنگامی که کشتی در حال حرکت بود نهنگ بزرگی آمد.

سرنشینان کشتی با هم توافق کردند با قرعه کشی شخصی از بین خود انتخاب کنند تا در دریا بیندازند و نهنگ او را بخورد تا به بقیه سرنشینان کشتی آسیبی نرسد. ساکنان کشتی سه بار قرعه انداختند، هر سه بار قرعه به نام حضرت یونس درآمد و ایشان را به طرف نهنگ انداختند.

قرآن کریم عبارت (فَسَاهَمَ) به معنای قرعه انداختن را آورده و حضرت یونس هم در قرعه کشی باخت. (فَالْتَقَمَهُ الْحُوتُ وَ هُوَ مُلِيمٌ) حال آنکه خود را نکوهش می‌کرد. قرآن کریم می‌فرماید:

(فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ)

و اگر او از تسبیح‌گویان نمی‌بود حتماً در شکم ماهی تا روزی که خلق مبعوث شوند باقی می‌ماند.

سوره صافات (۳۷): آیات ۱۴۳ و ۱۴۴

این فرمایش قرآن کریم است. آیا قرآن کریم را هم مسخره می‌کنید؟! خداوند عالم توانسته است حضرت یونس را در شکم ماهی زنده نگاهدارد.

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: خداوند عالم به نهنگ دستور داد حق نداری استخوان حضرت یونس را خورد کنی یا حتی به پوستش خدشه بیندازی!!

همین خداوند می‌تواند ماهی را تا قیام قیامت زنده نگاه دارد. حال چطور می‌خواهد این کار را انجام دهد به من و شما ربطی ندارد. قرآن کریم می‌فرماید: اگر یونس از مسبحین نبود قطعاً تا روزی که برانگیخته می‌شود در شکم آن ماهی می‌ماند. قرآن کریم در ادامه می‌فرماید:

**(فَتَبَدَّنَاهُ بِالْعَرَاءِ وَ هُوَ سَقِيمٌ)**

ولی چون از تسبیح‌گویان بود ما او را به خشکی پرتاب کردیم در حالی که مریض بود.

سوره صافات (۳۷): آیه ۱۴۵

زمانی که حضرت یونس تسبیح گفت، توبه کرد و استغفار کرد خداوند او را در حالی که ناخوش احوال بود به زمین خشکی انداخت.

**(وَ أَنْبَأْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِنْ يَقْطِينٍ)**

و بر بالای سرش بوته‌ای از کدو رویاندیم.

سوره صافات (۳۷): آیه ۱۴۶

چند روزی که حضرت یونس در شکم ماهی مانده بود و پوستش همانند پوست بچه گنجشک تازه به دنیا آمده شده بود و توان حرکت نداشت خداوند بالای سر حضرت یونس درخت کدو رویاند تا بالای سر ایشان سایه بیفکند. سپس می‌فرماید:

**(وَ أَرْسَلْنَاهُ إِلَى مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ)**

و او را به سوی شهری که صد هزار نفر و بلکه بیشتر بودند فرستادیم.

## سوره صافات (۳۷): آیه ۱۴۷

«أحمد الحسن» ادعا می‌کند که حضرت یونس به جهنم رفت. همچنین نماینده «أحمد الحسن» هم که به ما جواب داده ادعا می‌کند که او به جهنم رفت و تمام شد. ولی قرآن کریم می‌فرماید: حضرت یونس را نجات دادیم و بعد از نجات دادن به سوی قومی فرستادیم که صد هزار نفر یا بیشتر بودند. نستجیر بالله خداوند حضرت یونس را از جهنم بیرون آورده و به سوی قومی با جمعیت بیش از صد هزار نفر فرستاده است؟!

این افراد اصلاً قرآن کریم را نمی‌خوانند. تعبیر قرآن کریم نسبت به حضرت یونس خیلی واضح و روشن است. همچنین در سوره مبارکه «قلم» خطاب به رسول گرامی اسلام وارد شده است:

(فَاضِرٍ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَ لَا تُكِنُّ كَصَاحِبِ الْخُوْتِ اِذْ نَادَى وَ هُوَ مَكْظُوْمٌ)

پس تو در برابر حکم پروردگارت صبر کن و چون یونس صاحب داستان ماهی مباش که دلگیر و خشمین ندا کرد.

(لَوْ لَا اَنْ تَدَارِكُهُ نِعْمَةٌ مِنْ رَبِّهِ لَنُبِذَ بِالْعَرَاءِ وَ هُوَ مَذْمُوْمٌ)

و اگر نعمتی از ناحیه پروردگارش او را در نمی‌یافت هر آینه با حالتی نکوهیده در بیابان بی‌سقف می‌افتاد.

(فَاجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَجَعَلَهُ مِنَ الصّٰلِحِيْنَ)

ولی پروردگارش او را برگزید و از صالحینش کرد.

## سوره قلم (۶۸): آیات ۴۸ تا ۵۰

می‌فرماید پروردگار حضرت یونس را برگزید و از شایستگان گردانید. مشاهده کنید ما هر مطلبی که بیان می‌کنیم تصویر کتاب را می‌آوریم تا مخالفین ادعا نکنند در روایت تصرف کردید و روایت را تقطیع کردید. کتابی که مشاهده می‌کنید تفسیر «مجمع البیان» است. در جلد هفتم وارد شده است:

«وبقاؤه فی بطن الحوت حياً، معجزة له»

زنده ماندن حضرت یونس در شکم ماهی معجزه‌ای برای حضرت یونس است.

تفسیر مجمع البیان، نویسنده: الشیخ الطبرسی، ج ۷، ص ۱۰۹، باب ۲۱ - سورة الأنبياء

بر فرض ما نفهمیدیم، اما نستجیر بالله صاحب کتاب «مجمع البیان» آقای «طبرسی» هم نفهمیده است. در کتاب «تفسیر صافی» اثر «ملا محسن فیض کاشانی» وارد شده است:

«فَأَسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمِّ بِأَنْ قَذَفَهُ الْحَوْتُ إِلَى السَّاحِلِ وَأَنْبَتَ اللَّهُ عَلَيْهِ شَجْرَةً مِنْ يَقْطِينٍ»

مراد از فَأَسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمِّ این است حضرت یونس که در شکم ماهی گرفتار بود را به ساحل رساند و خدا بالای سر او درخت کدویی رویاند.

تفسیر الصافی، نویسنده: فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، محقق / مصحح: اعلمی، حسین، ج ۳، ص

۳۵۲، باب سورة الأنبياء

جناب آقای «محمد جواد مغنیه» (رضوان الله تعالى عليه) در کتاب «تفسیر الکاشف» می‌گوید:

«قال المفسرون: ان يونس خرج من بطن الحوت كالفرخ الممتعت، وان الله أنبت عليه شجرة من يقطين يستظل بها»

التفسیر الکاشف، نویسنده: محمد جواد مغنیه، جلد: ۴، ص ۱۹۴، الجزء الحادی عشر سورة يونس

حداقل چند مورد از تفاسیر را ببینید سپس این‌طور هذیان مطرح کنید. مرحوم «علامه طباطبایی» در کتاب «تفسیر المیزان» جلد ۱۷ همین مطلب را می‌آورد و معنا می‌کند:

«فَلَوْ لَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ» مراد از (يَوْمِ يُبْعَثُونَ) نفخه اولی یا نفخه ثانیه یا تعبیر به قیامت است.

تفسیر المیزان، نویسنده: السید الطباطبائی (مترجم: همدانی)، ج ۱۷، ص ۲۴۶، باب سخنی پیرامون داستان الیاس

ایشان در ادامه موارد دیگر را مطرح می‌کند. همچنین در کتاب «تفسیر المیزان» جلد هفدهم وارد شده است:

«أن الله سبحانه حفظه حيا سويا في بطنه أياما وليالي»

خداوند متعال حضرت یونس را در شکم ماهی چند شبانه روز زنده نگاه داشت.

«فاستجاب الله له فأمر الحوت أن يلفظه»

خداوند دعای حضرت یونس را مستجاب کرد و به ماهی دستور داد او را بیرون پرت کند.

«فنبذه بالعراء»

ماهی حضرت یونس را به خشکی پرت کرد.

«وهو سقيم»

در حالی که بیمار بود.

حضرت یونس در اثر مدتی که در شکم ماهی مانده بود پوست بدنش رقیق شده بود.

«فأنبت الله سبحانه عليه شجرة من يقطين يستظل بأوراقها»

خداوند متعال بر بالای سر یونس بوته‌ای از کدو رویانید تا برگ‌هایش بر بدن او سایه بيفکنند.

«ثم لما استقامت حاله أرسله إلى قومه»

زمانی که حال او بهبود پیدا کرد او را به سوی قومش فرستاد.

تفسیر المیزان، نویسنده: السید الطباطبائی (مترجم: همدانی)، ج ۱۷، ص ۱۶۷، باب کلام فی قصة یونس علیه السلام

فی فصول

آیت الله العظمی مکارم شیرازی در «تفسیر نمونه» این مطالب را مفصل مطرح می‌کند و قضایا را بسیار مفصل‌تر از دیگران بیان می‌کند.

بر فرض ما نمی‌فهمیم، اما آیا مراجع هم نمی‌فهمند؟! حداقل زمانی که می‌خواهید صحبتی کنید که آن را در فضای مجازی پخش کنید و از سرکرده دجال خود دفاع کنید اول تفاسیری که بزرگان شیعه نوشتند را ببینید بعد حرف بزنید. باز هم در کتاب «تفسیر نمونه» صفحه ۱۶۰ وارد شده است:

"هنگامی که یونس با حالت خشم و غضب قوم را رها کرد و مقدمات خشم الهی نیز بر آن‌ها ظاهر شد، تکان سختی خوردند و به خود آمدند، اطراف عالم و دانشمندی را که در میان آن‌ها بود گرفتند، و با رهبری او در مقام توبه بر آمدند. در بعضی از روایات آمده است که آن‌ها دسته جمعی به سوی بیابان حرکت کردند و بین زنان و فرزندان و حیوانات و بچه‌های آن‌ها، جدایی افکندند. سپس گریه سر دادند و صدای ناله خود را بلند کردند و مخلصانه از گناهان خویش و تقصیراتی که درباره پیامبر خدا یونس داشتند توبه کردند. در اینجا پرده‌های عذاب کنار رفت و حادثه بر کوه‌ها ریخت و جمعیت مؤمن توبه کار به لطف الهی نجات یافتند. یونس بعد از این ماجرا به سراغ قومش آمد تا ببیند عذاب بر سر آن‌ها چه آورده است؟

هنگامی که آمد در تعجب فرو رفت که چگونه آن‌ها در روز هجرتش همه بت پرست بودند ولی اکنون همه موحد و خداپرست شده‌اند؟ قرآن در اینجا می‌گوید: «ما او را به سوی جمعیت یکصد هزار نفری یا بیشتر فرستادیم»

الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل (تفسیر نمونه) (فارسی)، نویسنده: الشیخ ناصر مکارم الشیرازی، ج ۱۹، ص ۱۶۰،

باب سوره الصافات < ۳۷ >: آیات ۱۳۹ تا ۱۴۸

مشاهده کنید که در خصوص حضرت یونس این نظر مراجع و مفسرین است.

ایشان می‌گویند: شما ائمه اطهار را مسخره می‌کنید. امام صادق می‌فرماید: به دلیل اینکه ولایت ما را نپذیرفت وارد آتش جهنم

شد!!



شما ببینید در کتاب «تفسیر قمی» روایتی از «علی بن ابراهیم» نقل شده است که می‌گوید:

"پدرم «ابراهیم بن هاشم» از «ابن ابی عمیر» که یکی از مشایخ الثقات و اصحاب اجماع است از قول «جمیل بن دراج» و او از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند: یکی از یهودیان از حضرت امیرالمؤمنین در رابطه با قضیه حضرت یونس سؤال پرسید؛ حضرت فرمود:

«فَإِنَّهُ الْحَوْتُ الَّذِي حُسِيسَ يُونُسُ فِي بَطْنِهِ - فَدَخَلَ فِي بَحْرِ الْقَلْزَمِ ثُمَّ خَرَجَ إِلَى بَحْرِ مِصْرَ ثُمَّ دَخَلَ فِي بَحْرِ طَبْرِسْتَانَ  
ثُمَّ خَرَجَ فِي دَجَلَةَ الْغُورَاءِ ثُمَّ مَرَّتْ بِهِ تَحْتَ الْأَرْضِ حَتَّى لَجِثَتْ بِقَارُونَ»

اگر این افراد حداقل آیات قرآن کریم را در رابطه با قارون می‌خواندند متوجه می‌شدند که خداوند عالم می‌فرماید: ما به خاطر سرپیچی قارون از حضرت موسی دستور دادیم که زمین او را در خود ببلعد!!

در روایت وارد شده است که قارون هر روز به اندازه یک قد آدم بیشتر در زمین فرو می‌رود و به عمق زمین نزدیک می‌شود. قرآن کریم هم نسبت به حیات قارون صحبت می‌کند و هم اینکه ایشان تا روزی که خداوند عالم بخواهد در عذاب است.

«وَ كَانَ قَارُونُ هَلَكًا فِي أَيَّامِ مُوسَى وَ وَكَلَّ اللَّهُ بِهِ مَلَكًا يَدْخُلُهُ فِي الْأَرْضِ - كُلُّ يَوْمٍ قَامَةً رَجُلًا»

حضرت یونس در شکم ماهی تسبیح و استغفار می‌کرد، اما در هیچ موردی بحث قعر جهنم، رفتن روح حضرت یونس به جهنم و مردن جسم او در کار نیست. حضرت یونس در شکم ماهی در حال تسبیح بود در حالی که ماهی در حرکت بود. قارون صدای تسبیح یونس را شنید گفت: من صدای آدمی می‌شنوم. ملک موکل گفت: او حضرت یونس است.

در آنجا مکالمه‌ای میان قارون و حضرت یونس انجام شد. زمانی که حضرت یونس احوالات قارون را دید استغفار کرد. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید:

«فَأَسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُ»

خداوند عالم دعای حضرت یونس را اجابت کرد.

«وَأَمَرَ الْخَوَاتِمَ أَنْ تَلْفِظَهُ»

و به ماهی دستور داد که او را از شکم خود به بیرون پرت کند.

«فَلَفَظْتُهُ عَلَى سَاحِلِ الْبَحْرِ»

دقت داشته باشید این سخن مفسرین و مراجع عظام تقلید نیست، بلکه فرمایش امام صادق است. روایت هم صد در صد صحیح است. شما فرمایش امام صادق را مسخره می‌کنید؟ یا اشتباهی می‌فهمید؟ شما دارید روایات را تحریف می‌کنید و از ائمه اطهار مطالبی نقل می‌کنید که آن بزرگواران فرموده‌اند!!؟

او ادعا می‌کند که امام صادق فرموده است: به دلیل اینکه حضرت یونس ولایت ما را نپذیرفت او را به قعر جهنم بردیم!! زمانی که این تعابیر را می‌گویید فردا اهل سنت به ریش شما می‌خندند، وهابیت ادعاهای دروغین شما را ملاک قرار می‌دهند و بچه شیعه‌ها می‌گویند چطور می‌شود حضرت یونس جهنمی شود در حالیکه قرآن کریم در مورد او می‌فرماید:

(فَضَّلْنَا عَلَى الْعَالَمِينَ)

هر یک را بر جهانیان برتری دادیم.

سوره انعام (۶): آیه ۸۶

در ادامه روایت وارد شده است:

«وَقَدْ ذَهَبَ لِجُلْدِهِ وَلَحْمِهِ وَانْتَبَتِ اللَّهُ عَلَيْهِ شَجَرَةً مِنْ يَقْطِينٍ وَ هِيَ الدُّبَاءُ فَأَظْلَمَتْهُ مِنَ الشَّمْسِ فَشَكَرَ، ثُمَّ أَمَرَ اللَّهُ الشَّجَرَةَ - فَتَنَحَّتْ عَنْهُ وَ وَقَعَ الشَّمْسُ عَلَيْهِ فَجَزَعٌ - فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ يَا يُونُسُ لِمَ لَمْ تَرْحَمْ مِائَةَ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ وَ أَنْتَ تَجْزَعُ مِنْ أَلَمٍ سَاعَةٍ - فَقَالَ يَا رَبِّ عَفْوَكَ عَفْوَكَ، فَرَدَّ اللَّهُ عَلَيْهِ بَدَنَهُ»

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید:

«وَرَجَعَ إِلَى قَوْمِهِ وَ آمَنُوا بِهِ»

بعد از اینکه حضرت یونس از شکم ماهی نجات پیدا کرد، کنار دریا قرار گرفت و بهبودی یافت به طرف قوم خود برگشت.  
قرآن کریم در اینجا می‌فرماید:

**(فَلَوْلَا كَانَتْ قَرْيَةً آمَنَتْ فَتَنْفَعَهَا إِيمَانُهَا - إِلَّا قَوْمَ يُونُسَ لَمَّا آمَنُوا - كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْجَزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا - وَ مَتَّعْنَاهُمْ**

**إِلَى جِين)**

چرا هیچیک از شهرها و آبادی‌ها ایمان نیاوردند که (ایمانشان به موقع باشد و) مفید به حالشان افتد، مگر قوم یونس،  
به هنگامی که ایمان آوردند عذاب رسوا کننده را در زندگی دنیا از آنان بر طرف ساختیم و تا مدت معینی آن‌ها را  
بهره‌مند ساختیم.

**سوره یونس (۱۰): آیه ۹۸**

بازهم در کتاب «تفسیر قمی» امام صادق (علیه السلام) این قضیه را به طور مفصل مطرح می‌کند.

روایت بعدی، روایت «ابو الجارود» از امام باقر است؛ که البته ما خودمان نسبت به «ابو الجارود» ارادت نداریم و به روایات او  
اهتمام نمی‌ورزیم، زیرا این افراد زیدی مذهب و در عصر خودشان ناشر تفکر زیدی‌ها در مازندران بودند. در این روایت هم از  
قول امام باقر (علیه السلام) نقل شده است:

**«فَأَخْرَجَهُ الْخُوتُ إِلَى السَّاحِلِ»**

ماهی به امر خداوند حضرت یونس را به ساحل گذاشت.

**تفسیر القمی، نویسنده: قمی، علی بن ابراهیم، محقق / مصحح: موسوی جزائری، طیب، ج ۱، ص ۳۱۸، باب (۱۰)**

**سوره یونس مکیه مائة و عشر آیه (۱۱۰)**

حضرت یونس به طرف قومش آمد و آن‌ها را به ایمان دعوت کرد. کسانی که ایمان نیاورده بودند به خداوند عالم و حضرت  
یونس ایمان آوردند.

در اینجا داستان مفصلی نقل شده است که امام صادق می‌فرماید: حضرت یونس چهل سال قوم خود را به سوی خداوند متعال دعوت کرد، اما بعد از گذشت این مدت تنها دو نفر به او ایمان آوردند که یکی از آن‌ها عالم و دیگری عابد بود.

زمانی که حضرت یونس می‌خواست قوم خود را نفرین کند عالم به حضرت یونس التماس می‌کرد که نفرین نکند و به دعوت الهی ادامه دهد شاید مردم متنبه شوند، اما شخص عابد اصرار داشت که وقتی چهل سال زحمت کشیده و مردم ایمان نیاوردند نفرین کند.

عاقبت حضرت یونس نفرین کرد. خداوند متعال به حضرت یونس قول داد که این افراد را عذاب می‌کند در حالی که قومش او را مسخره می‌کردند. شخص عابد گفت: یا یونس! اگر خداوند عالم قوم تو را عذاب نکند ما همگی در نبوت تو شک خواهیم کرد. حضرت یونس فرمود: خداوند وعده داده است.

حضرت یونس و شخص عابد از آن محل رفتند در حالی که مردم مشاهده کردند آثار عذاب نمایان شد. به همین خاطر جلوی منزل عالم آمدند و گفتند: ما اشتباه کردیم، حال چکار کنیم؟! بادهای سرخی وزیدن گرفته بود و نشانه‌های عذاب و قهر الهی نمایان بود. شخص عالم به قوم دستور داد که همگی بیرون شهر بیایید. زمانی که به آنجا آمدند دستور داد اطفال شیرخوار را از مادرانشان جدا کنند. اطفال شیرخوار در یک طرف و مادرها در طرف دیگر قرار بگیرند. حتی حیوانات مثل بره‌ها و بزگاله‌ها در یک طرف و گوسفندان و بزها در طرف دیگر قرار بگیرند.

زمانی که بچه‌های شیرخواره گریه می‌کردند و ضجه می‌زدند و بچه‌های حیوانات از گرسنگی در عذاب بودند. از طرف دیگر مادرهای اطفال و حیوانات شدیداً ناراحت بودند. زمانی که صدای شیون بلند شد عالم گفت: الآن زمان دعا کردن فرا رسیده است!! وقتی مردم شروع به دعا و استغفار کردند خداوند عالم عذابی که بالای سر قوم حضرت یونس آمده بود را برطرف کرد و مردم ایمان آوردند. قرآن می‌فرماید:

**(وَ أَرْسَلْنَاهُ إِلَى مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ)**

و او را به سوی شهری که صد هزار نفر و بلکه بیشتر بودند فرستادیم.

## سوره صافات (۳۷): آیه ۱۴۷

حضرت یونس بر این افراد مبعوث شد، شروع به راهنمایی این افراد کرد و درس توحید و قیامت به این افراد آموزش داد. این مطالب خلاصه داستان حضرت یونس است.

دوستان عزیز مشاهده کنید که این آقایان چطور اولاً نسبت به حضرت یونس (علیه السلام) این طور وقیحانه جسارت می‌کنند. البته جسارت این افراد تنها نسبت به حضرت یونس نیست. آن‌ها نسبت به رسول اکرم اهانت دارند و ذیل آیه:

**(إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا)**

ما برای تو پیروزی آشکاری فراهم ساختیم!

## سوره فتح (۴۸): آیه ۱

می‌گویند: در وجود مقدس پیغمبر اکرم مقداری منتیت و خودخواهی بوده که برطرف شده است. آن‌ها همچنین نسبت به حضرت امیرالمؤمنین اهانت‌هایی دارند که بنده تنها گوشه‌ای از آن را به عزیزان نشان می‌دهم تا ببینند نسبت به آن بزرگوار چه تعبیری دارند!!

در کتاب «المتشابهات» جلد چهارم اثر «سید أحمد الحسن» ذیل آیه شریفه:

**(وَ كَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا)**

ولی انسان بیش از هر چیز به جدل می‌پردازد.

## سوره کهف (۱۸): آیه ۵۴

وارد شده است که "جدل در این آیه به معنای کلام حق و حجت‌آور است. انسان در این آیه علی بن ابی طالب است. هرگاه انسان گمراه شود به باطل مجادله می‌کند."

این همان تعبیری است که اهل سنت در رابطه با حضرت امیرالمؤمنین دارند که ساخته و پرداخته یهودیان است. آن‌ها می‌گویند: مراد از (وَ كَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا) حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) بوده است!!!

این افراد عبارتی می‌آورند که انسان واقعاً حیران می‌ماند و تعجب می‌کند انسانی که می‌خواهد ناشر فرهنگ ائمه اطهار و نائب حضرت مهدی فرزند امیرالمؤمنین باشد این‌طور نسبت به حضرت امیر -نستجیر بالله- جسارت کند!؟

آن‌ها ادعا می‌کنند که نستجیر بالله مراد از (الْإِنْسَانُ) حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) است. همچنین در کتاب «المتشابهات» جلد چهارم صفحه ۲۵ وارد شده است: "امیرالمؤمنین که می‌فرماید:

«إِلَهِي قَلْبِي مَحْجُوبٌ وَ نَفْسِي مَغْيُوبٌ وَ عَقْلِي مَغْلُوبٌ»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۸۴، ص ۳۴۱، ح ۱۹

از جهت منیت و ظلمت، این عبارت ادا می‌شود. اگر منیت و ظلمت کم در وجود حضرت علی نبود، علی همان حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) بود."

دوستان شما این مطالب را از همه مراجع عظام تقلید استفتاء کنید و از علمای اهل سنت هم بپرسید که به کار بردن چنین تعبیری نسبت به امیرالمؤمنین به عنوان امام شیعیان و به عنوان صحابه پیغمبر اکرم و خلیفه چهارم چه حکمی دارد و ببینید پاسخ آن‌ها چیست!؟

ما این مطالب را از کتاب «المتشابهات» نوشته جاشین و فرستاده امام مهدی «احمد الحسن»! سؤال ۱۳۶ آوردیم. همچنین در این کتاب جلد سوم در خصوص آیه شریفه:

(إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ)

قطعا انسان در زیان است.

سوره عصر (۱۰۳): آیه ۲

مطالبی بیان می‌کند که انسان حیران می‌ماند آیا عقل سالم چنین تعبیری به کار می‌برد؟! من عذرخواهی می‌کنم، اما اگر بگویم این شخص دیوانه است می‌ترسم فردای قیامت دیوانگان از من شکایت کنند. او ذیل این آیه شریفه می‌گوید:

"امیرالمؤمنین همان (الإنسان) است که در خسر و زیان است!"

بینیم ائمه اطهار در این خصوص چه فرمایشی دارند؟! در کتاب «کمال الدین» صفحه ۶۵۶ وارد شده است که امام صادق می‌فرماید:

«وَالْعَصْرُ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ قَالَ الْعَصْرُ عَصْرُ خُرُوجِ الْقَائِمِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ يَغْنَى أَغْدَاءَنَا»

کمال الدین و تمام النعمة، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۲، ص ۶۵۶، ح

۱

مشاهده کنید که امام صادق می‌فرماید: مراد از (الإنسان) یعنی دشمنان ماست، اما این شخص ادعا می‌کند که مراد از (الإنسان) علی بن ابی طالب است!!!

همچنین در کتاب «اقبال الأعمال» اثر «سید بن طاووس» صفحه ۴۵۷ وارد شده است:

«إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ أَغْدَاءَ آلِ مُحَمَّدٍ»

إقبال الأعمال، نویسنده: ابن طاووس، علی بن موسی، ج ۱، ص ۴۵۷

همچنین در کتاب «مناقب» از «ابن عباس» نقل شده است:

«وَالْعَصْرُ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ يَغْنَى أَبَا جَهْلٍ»

مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، نویسنده: ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، ج ۳، ص ۶۱، فصل فی أنه

مع الحق و الحق معه

ائمه اطهار می‌فرمایند: مراد از (الإنسان) دشمنان آل محمد و دشمنان ما هستند و «ابن عباس» می‌گوید: مراد از (الإنسان) «ابوجهل» است. ولی این شخص که مدعی است از طرف حضرت مهدی آمده تا زمینه را برای ظهور جدش فراهم کند! می‌گوید: مراد از انسان زیان کار، علی بن ابی طالب است!!! ما به خداوند عالم پناه می‌بریم. نسبت به احمد الحسن، تعبیر آیت الله کورانی که به عنوان «دجال بصره» از او یاد می‌کند تعبیر خوبی است. من دلم به حال جوانان و طلاب ناآگاه می‌سوزد که فریب چنین شخصی را می‌خورند. ببینید آیا انسانی که یک ذره فکر و وجدان داشته باشد و با الفبای معارف دینی آگاهی داشته باشد به دنبال چنین فردی می‌رود؟!

من در خدمت شما هستم.

**مجری:**

بسم الله الرحمن الرحيم عرض سلام و ادب و احترام خدمت استاد گرانقدر و حضار بزرگوار. به دلیل آنکه سؤالات زیاد است بنده سعی می‌کنم تا جایی که مرتبط با بحث است مطرح کنم. بقیه سؤالات را خدمت حضرت استاد می‌دهیم تا ان شاءالله در جلسات آینده پاسخگو باشند.

**سؤال اول:**

با سلام و تحیت. طرفداران «اسماعیل قاطع» همین مدعی یمانی از طریق تسخیر جن به افراد جذب شده می‌گویند یک سری کارها را انجام بدهید تا در شب خواب وصی امام زمان یا خود امام زمان را ببینید و واقعاً یک شخصی را در خواب می‌بینند و لذا جذب آنها می‌شوند.

لطفاً بفرمایید جهت مقابله با این قدرت تسخیر جن و غیره چگونه باید عمل کنیم!؟

**آیه الله دکتر حسینی قزوینی:**



اولاً خداوند عالم به ما عقل داده است. صد و بیست و چهار هزار پیغمبر آمدند و رفتند و هر پیغمبری هم وصی داشت. ائمه اطهار به این جهان آمدند و رفتند، اما هیچکدام از آنها برای اثبات حقانیت خود به خواب متوسل نشدند. شما به ما نشان بدهید از میان صد و بیست و چهار هزار پیغمبر اکرم و اولیاء الهی که آمدند و رفتند یک نفر گفته باشد که اگر می‌خواهید ببینید من حق هستم یا نه؛ فلان روز خواب خواهید دید!! همانطوری که این عزیزمان هم گفتند چه بسا افرادی باشند که اجنه در اختیارشان هست، سحر بلد هستند و کارهای زیادی می‌توانند انجام دهند.

بهترین راه برای از بین بردن تسخیر اجنه، این است که انسان سوره‌های چهارقل را ابتدای صبح بخواند. یکی از اثرات سُور چهارقل این است که انسان از شر وساوس شیطانی و سحر خلاص می‌شود.

روایتی از حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) وارد شده که روایت بسیار خوبی است. اگر شما به «مفاتیح الجنان» رجوع کنید «دعای سریع الإجابة دوم» را خواهید یافت. «مرحوم کلینی» این روایت را در کتاب «کافی» آورده که روایت آن صددرصد صحیح است.

راوی می‌گوید: یا امیرالمؤمنین! مدت زیادی است که دعا می‌کنم، اما اجابت نمی‌یابم. حضرت می‌فرمایند: چرا از دعای سریع الإجابة غافل هستی؟! راوی عرض می‌کند: کدام دعاست؟! حضرت دعا را برای او می‌خواند.

مضمون دعا چنین است: خدایا تو را می‌خوانم به اسمائت که اگر کسی آن اسماء را بخواند تمام سحر ساحران از او دفع می‌شود.

در کتاب «کافی» جلد دوم صفحه ۵۸۲ «علی بن ابراهیم» از پدرش و او از «ابن ابی عمیر» و او از «معاویه بن عمار» روایتی نقل می‌کند که حضرت می‌فرماید دعای سریع الإجابة چنین است؛

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ الْمُخْزُونِ الْمَكْتُونِ النَّوْرِ الْحَقِّ الْبُرْهَانِ الْمُبِينِ الَّذِي هُوَ نُورٌ مَعَ نُورٍ وَ نُورٌ مِنْ نُورٍ وَ نُورٌ فِي نُورٍ وَ نُورٌ عَلَى نُورٍ وَ نُورٌ فَوْقَ كُلِّ نُورٍ وَ نُورٌ يَضِيءُ بِهِ كُلُّ ظُلْمَةٍ وَ يَكْسِرُ بِهِ كُلُّ شِدَّةٍ وَ كُلُّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ وَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ لَا تَقْرُبُهُ أَرْضٌ وَ لَا تَقُومُ بِهِ سَمَاءٌ وَ يَأْمَنُ بِهِ كُلُّ حَائِفٍ وَ يَبْطُلُ بِهِ سِحْرُ كُلِّ سَاحِرٍ وَ بَغَى كُلِّ بَاغٍ

وَ حَسَدُ كُلِّ حَاسِدٍ وَ يَتَّصِعُ لِعِظَمَتِهِ الْبُرُّ وَ الْبَحْرُ وَ يَسْتَقِيلُ بِهِ الْفُلُكُ حِينَ يَتَكَلَّمُ بِهِ الْمَلِكُ فَلَا يَكُونُ لِلْمَوْجِ عَلَيْهِ سَبِيلٌ  
وَ هُوَ اسْمُكَ الْأَعْظَمُ الْأَعْظَمُ الْأَجَلُ الْأَجَلُ الثُّورُ الْأَكْبَرُ الَّذِي سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ وَ اسْتَوَيْتَ بِهِ عَلَى عَرْشِكَ وَ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ  
بِمُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ أَسْأَلُكَ بِكَ وَ بِهِمْ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا»

الكافي، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲، ص ۵۸۲، ح ۱۷

عزیزانی که احساس می کنند در حوزه تصرفات این افراد هستند این دعا را صبح و شام قرائت کنند قطعاً خداوند عالم عنایت می کند و سحر ساحران و جادوی جادوگران را از آنها برطرف می کند.

### سؤال دوم:

لطفاً بفرمایید آقای احمد الحسن خودش را نائب امام زمان علیه السلام معرفی می کند یا در حال حاضر به عنوان قائم و مهدی معرفی می نماید؟

### آیه الله دکتر حسینی قزوینی:

تا الان که ما اطلاع داریم خودش را به عنوان نماینده حضرت مهدی علیه السلام و فرزند حضرت مهدی علیه السلام معرفی می کند.

### سؤال سوم:

جناب استاد خواهش می کنیم به مخالفین حتی مبتدیان اجازه بفرمایید که مطالب خود را کامل بیان کنند، زیرا با توجه به اینکه اینها اصول و مبانی صحیحی ندارند خودشان مفتضح می شوند و بی سوادى آنها بیشتر معلوم می شود. در این صورت آنها دیگر نمی توانند فضا سازی کرده و برخورد علما را پیراهن عثمان کنند. خواهش بنده این است که قدری با سعه صدر و مدارا با این افراد برخورد شود. خداوند شما را حفظ فرماید.

### آیه الله دکتر حسینی قزوینی:

آن برادرمان که آمد اولاً ادعا کرد که من نمی‌دانستم آقای قزوینی اینجا برنامه دارد و وقتی که از اینجا رد می‌شدم متوجه این برنامه شدم و داخل آمدم. با اینکه ایشان حدود ۴۰ سؤال در دست داشت و سؤالات خود را هم به بنده داد!

اگر فرصتی بود، بنده خیلی دوست داشتم به سؤالاتی که ایشان جمع کرده بود بپردازم. ایشان اگر سؤال داشت همان‌طور که دیگر عزیزانی که نشسته بودند سؤال کردند یا سؤالات را می‌نوشتند و به ما می‌دادند عمل می‌کرد. ایشان بلند شد جلوی جمعیت آمد و به جای اینکه از من سؤال کند رو به جمعیت سؤال خود را مطرح کرد. از طرف دیگر دختر ۴، ۵ ساله خود را هم به اینجا آورده بود.

این راه سؤال پرسیدن نیست، بلکه به نوعی ایجاد آشوب و راه اندازی فتنه است. بعضی از سؤالات او اینجا هست که بنده یقین دارم او برای ایجاد فتنه به اینجا آمد. بنده بیش از دویست جلسه مناظره در خاک عربستان داشتم و به اندازه تعداد موهای سرم تجربه دارم. وقتی او بلند شد و به طرف من آمد بنده نیت او را تا آخر متوجه شدم. اگر او بعضی از سؤالاتی که توهین به مرجعیت و شیعه است را می‌پرسید قطعاً هیچکس جلوی جوانانی که اینجا نشسته بودند را نمی‌توانست بگیرد و سبب می‌شد درگیری به وجود بیاید. او چندین نفر با خود آورده بود، اما درگیری سبب می‌شد که پشت پرده سر و صدا به راه بیندازند و فیلم بگیرند که وقتی در جلسه‌ی فلان شخص یکی از ما جهت سؤال پرسیدن بلند شد این افراد او را مورد ضرب و شتم قرار دادند در حالی که دخترم آنجا بود.

این افراد می‌خواهند مظلوم نمایی کنند و آن را پیراهن عثمان درست کنند. کسی که سؤال داشته باشد چنین کاری نمی‌کند، بلکه می‌نشیند و اعلام می‌کند که سؤال دارد.

همان‌طور که در همان جلسه چندین نفر از عزیزان ما سؤال داشتند. این هفته هم این همه از عزیزان ما سؤال دارند. ما به سؤالات پاسخ می‌دهیم، اما کسی که بخواهد توطئه کند و جلسه را به هم بزند و فتنه‌گری کند قاطعانه در برابر آن می‌ایستیم. این افراد سعی داشتند ایجاد فتنه کنند، از فتنه فیلم بگیرند و در فضای مجازی منتشر کنند. با توجه به تشخیصی که بنده دادم بعد از اینکه دو مورد از سؤالات خود را پرسید اجازه ندادم سؤال سوم را بپرسد و او را به سکوت فراخواندم. من از او درخواست کردم که هر وقت سند روایت را پیدا کرد و برای ما آورد من همین جا آن را از پرده پخش می‌کنم، درباره روایت با

هم بحث می‌کنیم و جواب می‌دهیم. بنده باز هم اعلام می‌کنم که او عزیز ما و پاره تن حوزه علمیه است، اما او زمانی که می‌رفت گفت که پاره تن حوزه علمیه نیست!! این حرف او دلیل بر این است که قصد سؤال نداشت. سؤال شرایطی و سائل آدابی دارد.

#### سؤال چهارم:

در هنگام ظهور خاتم النبیین اهل کتاب برای شناخت ایشان علائم و نشانه‌هایی داشتند که بتوانند ایشان را از مدعیان دروغین تشخیص بدهند. حال آیا ما و عموم مردم برای شناخت امام زمان چنین نشانه‌های یقینی و علائم معتبر که مدعی را از حق جدا کند داریم یا خیر؟

#### آیه الله دکتر حسینی قزوینی:

قطعاً داریم. ما روایات متعددی در مورد آمدن «دجال»، آمدن «سفیانی»، آمدن «سید حسنی» و صیحه آسمانی داریم که در تمام کره زمین شنیده می‌شود. قضیه چنین نیست که هرکسی از جای خود بلند شود و اعلام کند که من مهدی موعود هستم. اگر فرصت شود ما روایاتی که از علائم و نشانه‌های قطعی حضرت است بیان خواهیم کرد. بعضی از علائم تعبیر قطعی ندارد، اما بعضی از علائم قطعیت دارد و حضرت قطعیت آن را تأیید کردند. یکی از این علائم صیحه آسمانی است. صیحه آسمانی است که به تمام دنیا اعلام می‌کند که حضرت مهدی (ارواحنا له الفداء) آمده است. به علاوه حضرت در کنار بیت الله الحرام صدا سر می‌دهند و می‌فرمایند: من مهدی آل محمد (صلوات الله علیهم اجمعین) هستم! صدای حضرت به گوش تمام مردم می‌رسد. این نشانه‌هایی است که کاملاً واضح و روشن است.

#### سؤال پنجم:

با توجه به اینکه خدای متعال حکیم است آیا مسخره نیست که صد و بیست و چهار هزار پیامبر و ائمه اطهار و اولیاء دیگر مژده آمدن امام زمان را بدهند و این همه انسان‌های مظلوم در رأس اولیاء الهی کشته شوند تا بعدها یک نفر بیاید و انتقام آن‌ها را بگیرد؟

اگر ما معتقد هستیم که خداوند عالم حکیم است و به حکمت خداوند عالم ایمان داریم این اعتراضها معنا ندارد. همچنان که قرآن کریم می‌فرماید:

(و نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ)

اراده ما بر این قرار گرفته است که به مستضعفین نعمت بخشیم، و آنها را پیشوایان و وارثین روی زمین قرار دهیم!

سوره قصص (۲۸): آیه ۵

ما در قرآن حدود ۳۴۰ آیه داریم که شیعه و اهل سنت آنها را به وجود مقدس حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداء) تفسیر کرده‌اند. حضرت نوح نهد و پنجاه سال مردم را دعوت کرده است، اما:

(وَ مَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ)

اما جز عده کمی به او ایمان نیاوردند.

سوره هود (۱۱): آیه ۴۰

تعداد اندکی در کشتی چوبی جمع شدند و این حاصل نهد و پنجاه سال تبلیغ حضرت نوح بود. خداوند عالم طوفان و سیلی فرستاد که تمام جمعیت روی زمین غرق شدند. شما اول آنها را به ما جواب بدهید.

همچنین حضرت یونس چهل سال مردم را به سوی دعوت الهی دعوت می‌کند، اما تنها دو نفر به حضرت ایمان می‌آورند.

حضرت موسی مدت زمان زیادی مردم را به سوی خداوند متعال دعوت می‌کند اما تعداد انبوهی از دشمنان حضرت موسی به سرکردگی فرعون در دریا غرق می‌شوند. اگر ما واقعاً قائل به حکمت الهی باشیم خداوند عالم این چنین خواسته است.

به علاوه دقت داشته باشید که قرار نیست خداوند عالم با معجزه کار را درست کند. قرآن کریم می‌فرماید:

(وَ قَالَ مُوسَىٰ إِنَّ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً فَأِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ)

موسی (به بنی اسرائیل) گفت اگر شما و همه مردم روی زمین کافر شوید (به خدا زیانی نمی‌رسد).

سوره ابراهیم (۱۴): آیه ۸

اگر خداوند عالم اراده کند تمام مردم روی زمین ایمان می‌آورند، مسلمان می‌شوند و مؤمن و متقی خواهند شد. خداوند عالم نمی‌خواهد چنین باشد، بلکه پیامبرانی می‌فرستد تا مردم را هدایت کنند.

(إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَ إِمَّا كَفُورًا)

ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد (و پذیرا گردد) یا کفران کند.

سوره انسان (۷۶): آیه ۳

حکمت خداوند بر این تعلق گرفته که فردی در آخرالزمان بیاید و دنیا را پر از عدل و داد کند بعد از آنکه از ظلم و جور پر شده است. اگر ما معتقدیم خداوند حکیم علی‌الاطلاق است چنین سوالاتی برای ما باید حل شود. اگر کسی در حکمت خداوند عالم شک دارد اگر مسلمان است باید از آیات الهی استفاده بشود و اگر مسلمان نیست از عقل در حکمت خداوند تبارک و تعالی برای او استدلال می‌شود.

سؤال ششم:

تحولات اخیر یمن را در زمینه‌سازی ظهور حضرت ولی عصر چگونه ارزیابی می‌کنید؟!

آیه الله دکتر حسینی قزوینی:

در رابطه با تحولات یمن باید بگوییم این قضایا چنین نیست که تحولاتی در دنیا ایجاد شود و بلافاصله ادعا کنیم که از نشانه‌های ظهور است. مثلاً زمانی که «ملک عبدالله» از دنیا رفت ما روایاتی داشتیم که وقتی عبدالله از دنیا رفت مرگ «عبدالله» را بشارت

بدهید تا من آمدن حضرت مهدی را بشارت بدهم!! وقتی «ملک عبدالله» از دنیا رفت در فضای مجازی بچه شیعه‌ها به همدیگر تبریک می‌گفتند که «ملک عبدالله» از دنیا رفت و ان‌شاءالله امام زمان ظهور خواهد کرد.

بنده معتقدم در این عصر پرداختن به این قضایا خلاف شرع است. چون زمانی که ما طلبه‌ها و روحانیون این مطالب را بیان می‌کنیم تعدادی از جوانان به حرف‌های ما اعتماد می‌کنند. اگر این وقایع اتفاق نیفتد دیگر اعتقادات این جوانان هم متزلزل می‌شود.

بنابراین قضایایی که پیش می‌آید شاید زمینه‌ساز ظهور حضرت مهدی باشد و شاید هم نباشد ما نمی‌دانیم!!

اینکه در روایات داریم خروج «سفیانی»، آمدن «سید حسنی» و آمدن «سید یمانی» در یک ماه و یک هفته و یک روز است. این روایت ادعای «احمد الحسن» را باطل می‌کند که می‌گوید: "من همان «سید یمانی» هستم!!" در حال حاضر حدود ۱۵ سال است که این شخص ظهور کرده، اما نه از «سفیانی» خبری است و نه از «سید حسنی» خبری است.

یک سری علائم قطعی است که از ائمه اطهار به دست ما رسیده است. ما این علائم قطعی را می‌بوسیم به شرط آنکه روایت سنداً صحیح باشد. اگر چنین باشد ما به فرمایشات اهلیت (علیهم السلام) تعبد داریم.

ولی اگر بگوییم فلان قضیه اتفاق افتاد و آن از علائم و نشانه‌های ظهور است صحیح نیست و از عزیزان روحانی تقاضا می‌کنم به این مسائل نپردازند. ضرر این مسائل از نفع آن خیلی بیشتر است. در روایت وارد شده است هرکسی شب می‌خوابد این چنین باید بخوابد که فردا صبح حضرت مهدی ظهور می‌کند.

### سؤال هفتم:

مهم‌ترین دستاویز مدعیان برای فریب جوانان و مخصوصاً طلاب علوم دینی چیست؟!

آیه الله دکتر حسینی قزوینی:

در حال حاضر در عراق ۲۵ نفر وجود دارند که یا مدعی هستند ما امام زمان هستیم، یا مدعی بابیت هستند، و یا مدعی فرزند امام زمان بودن هستند!!

امروزه بعضی از افراد همانند «الصرخی» وجود دارند که دشمنان، امکاناتی در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد و هدفشان این است که در میان جامعه شیعی ایجاد تفرقه کنند و عقاید جوانان را متزلزل کنند. بهترین راه این است که ما با معارف اهل بیت آشنا باشیم. کتاب «کمال الدین» اثر «شیخ صدوق» طبق آنچه ایشان در ابتدای کتاب نوشته است به امر حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداء) نوشته شده است. ما باید این کتاب را از ابتدا تا انتها مطالعه کنیم.

همچنین کتاب «معجم احادیث المهدی» اثر آیت الله کورانی که در چندین جلد به چاپ رسیده است را از ابتدا تا انتها ببینیم و مشاهده کنیم که نگاه اهل بیت نسبت به حضرت ولی عصر و وقایعی که قبل از ظهور حضرت می‌آید و فتنه‌هایی که ایجاد می‌شود چیست.

ما باید خود را به ائمه اطهار (علیهم السلام) عرضه بداریم و از انوار نورانی احادیث ائمه طاهرين بهره ببریم و غیر از این چیز دیگری نیست. هرکسی با چیزی می‌آید. بکی با جادو و سحر می‌آید و یکی با پول و مقام می‌آید اما قرآن کریم می‌فرماید:

(وَ لَقَدْ أَضَلُّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا أَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ)

او (شیطان) افراد زیادی از شما را گمراه کرد، آیا تعقل نمی‌کنید؟

سوره یس (۳۶): آیه ۶۲

یکی از اساتید بزرگوار ما، آیت الله مظاهری تعبیری داشتند که می‌گفتند: شیطان طلبه، طلبه است. شیطان پزشک، پزشک است. شیطان آیت الله، آیت الله است. شیطان پیغمبر هم در حدی است که بتواند پیغمبر را فریب دهد.

قرآن کریم به صراحت می‌فرماید:

(وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَ لَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلَقَى الشَّيْطَانَ فِي أُمْنِيَّتِهِ)



ما هیچ رسول و پیامبری را پیش از تو نفرستادیم مگر اینکه هر گاه آرزو می‌کرد (و طرحی برای پیش برد اهداف الهی خود می‌ریخت) شیطان القائاتی در آن می‌کرد.

سوره حج (۲۲): آیه ۵۲

این آیه به خوبی بیانگر این است که شیطان حتی از پیامبران هم دست برنمی‌دارد ما که جای خود داریم. خلاصه شیطان هرکسی متخصص در آن رشته است.

شیطانی که می‌خواهد من طلبه را فریب دهد تمام فوت و فن طلبه‌گی را بلد است و می‌داند از چه کانالی وارد شود. ما باید مقداری دقت کنیم فریب شیاطین جنی و انسی را نخوریم.

خدایا تو را قسم می‌دهیم به آبروی حضرت محمد و آل محمد فرج مولای ما حضرت بقیة الله الأعظم را نزدیک بگردان. خدایا ما را از یاران خاص آن بزرگوار قرار بده.

خدایا رفع گرفتاری از همه گرفتاران بنما. خدایا حوائج حاجت‌مندان روا نما. خدایا حوائج جمع ما را به حق حضرت محمد و آل محمد برآورده نما. خدایا دعای ما را به اجابت برسان.

خدایا انقلاب ما را به انقلاب جهانی حضرت ولی عصر متصل بنما. خدایا خدمتگزاران به اسلام و قرآن و اهلبیت بالاخص مقام معظم رهبری موفق و مؤید بدار.

هدیه به ارواح پاک انبیاء، اولیاء، شهداء، صدیقین، صالحین بالأخص امام راحل صلواتی ختم بفرمایید.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته